

را دوست داشته باشد و هم عالم را ولی همیشه باید مواظب باشد که با اسم عالم دوستی بی خانمان و بی سامانش نکنند. در زیر بیرق استقلال ملل و رهائی زنان صلح عمومی است. پس باید به این دو مقصود بزرگ کوشید و قوی شد زنان و وظیفه بزرگی در عالم بعهده دارند و از دست آنها عقده های مشکل باز خواهد شد پس آزادی آنان باید اولین ارزوی هر وطن پرست یا هر صلح طلب باشد. خدایا شکر که امروز در عالم زنان بی باین مسئله بزرگ برده از هر طرف اقدامات جدی مینمایند تا وظیفه مقدس مادری خود را انجام دهند.

## محصلین ایرانی در خارج

بقلم جناب آقای سید ابوالفضل طباطبائی

اروپای امروزی که مهد علم و مرکز سیادت دنیا محسوب است آثار عظمت خود را در عالم بر اثر ترقیبات علمی منتشر ساخته و سایر ملل هر یک از این بستان باشکوه گلی چیده و برای تحفه به ممالک و اوطان خود روائج غلیبه علوم را بفراخور احوال منتشر ساخته اند. اروپائی که تا چند قرن پیش سر زمین بی حاصل و افراد آن هاری از ثمرات نیکوی تمدن بودند و برای کسب علوم خود را محتاج به ملل شرق میدیدند، امروز کوی عظمت و ارتقاء را در معرکه تمدن از سایر ملل متمدنه تاریخی عالم ربوده و سایرین برای کسب افتخارات تاریخی خود ناچارند افراد خود را بدانجا اعزام دارند تا در دوره مختصری باوطان خود عودت نموده بر اثر تراوشات علوم

و صنایع، آداب و اخلاق موجبات عظمت و ترقی مملکت و ابناء و وطن خویش را فراهم سازند.

امروز قسمت اعظم محصلین که با اروپا اعزام می شوند از قطعه آسیا و شرق است. ژاپونی ها و مصری ها و جدیداً افغانی ها اکثریت محصلین شرق را در اروپا تشکیل می دهند. محصلین ایرانی در اروپا در مقابل سایر محصلین شرقی در اقلیت صرف و حتی غیر قابل مقایسه می باشند و در عین حال این محصلین با یک اسلوب و روش مطلوبی در اروپا بدوره تحصیلات خود خاتمه نداده و قسمت اعظم آنان برای وطن خود تحفه های نامطبوع آورده و وجود آنان بجز فساد و خراب برای مملکت اثر دیگری ندارد. ما راجع به محصلین ایرانی از دو نقطه نظر می خواهیم صحبت برانیم و توجه وزارت جلیله معارف و آقای نصیر الدوله وزیر معارف پرور را بدان معطوف می داریم.

نظر اول سعی در تربید عده محصلین ایرانی در خارجه و دقت کامل در اسلوب تحصیلات و ترتیب و مسائل تحصیلی آنان بقسمی که با فراغت بال و آسایش خیال هر يك در هر رشته مشغول است بتهحصیلات خود خاتمه داده و يك رجل کاملی با واجد بودن شرایط و استعدادات زندگانی امروزی به مملکت بازگشت نماید و بر افراد لایق مملکت افزوده و با سرعت خلل ناپذیری مملکت را بسوی ترقی و تعالی سوق دهند. نظریه ثانی دقت و توجه کامل در انتخاب محصلین و سعی در تربیت افراد بی بضاعت و اعزام آنان با اروپا است چه این قبیل جوانان قدر حیات خود را دانسته و اوقات گرانبهارا در خارجه بیخود صرف نمی نمایند. محصلینی که امروز از ایران بعنوان

تحصیل در نقاط مختلفه اروپا امرار مینمایند خالی از سه طبقه نیستند طبقه اولی - بزرگ زاده گان دولتمند و آذاشخاصی هستند که باتکاء اولیاء و ثروت خود با وسائل کافی و کمال فراغت بال اوقات خود را در خارجه صرف تحصیل یا امور دیگری مینمایند و ما با این طبقه از محصلین کاری نداریم و دخالت در امور آنان از وظائف ما خارج است طبقه ثانی و سوم که منظور ما این دو و توجه اولیاء معارف را بدان معطوف میداریم ، یکی آن افرادی هستند که بطور غیر رسمی با کمال آزادی و در مقابل هیچ مسئولیتی بخرج خزانه ملت یعنی از طرف مالیه دولت وظیفه دارند . و دیگری جوانانی هستند که بدون اتکاء و اتکال به مبانی مادی اعم از اولیاء خود مانند طبقه اول و یا خزانه ملت مثل طبقه ثانی ، با عزم آهنین و اراده راسخ ، با نیروی قوی و روح متین خود را مواجه با حوادث صعب و مصادم با موانع و پیش آمدهای مشوم و ناگوار نموده و برای نیل به ثمره نیکوی علم و کسب سعادت و افتخار ابدی این راه پر خار را می پیمایند . صرف نظر از محصلین اعزامی وزارت جنگ که بر اثر مجاهدات و اقدامات نوع پرستانه و وطن خواهانه اعلیحضرت محبوبان صورت عملی پیدا کرده و اعزام این قبیل محصلین در تحت سرپرستی وزارت جنگ موجب مزید افتخارات ایران در آتیه است باید دانست محصلین رسمی دولتی که بخرج دولت بخارجه اعزام می شوند کدامند و تا بحال چه اثراتی در نتیجه کفالت جوانان تن پرور و زادگان اشراف در اروپا برای دولت حاصل شده است ؟ غرض از محصلین دولتی اعزامیان رسمی وزارت معارف نیست چه

تا بحال هنوز معارف ما آنقدر بسط حاصل ننموده و تا حد امکان قوه عهده داری و اداره امور معارفی داخلی را حائز نگردیده تا چه رسد به رسیدگی به این گونه امور و توجه با عزام محصل رسمی بخارجه مقصود ما انتقاد از اقدامات بیمورد و مساعدتهای بیهوده اولیاء سابق و تصویب مواد لایتنغیری است که بدولت اجازه داده است از خزانه ملی سالی مبالغ هنگفتی بعنوان ترویج علم برای شهوترانی و خوش گذرانی یکمشت اعیان زادگان و ناز پروران عیاش مصروف بدارد.

آن اقا زادگان و اطفال نازپروری که اولیاء آنان در هر عصری که مصدر امور شده و کرسیهای پارلمان یا پستهای یکی از دوائر دولتی را اشغال نمودند امروز بر اثر نفوذ آن پدران خیر خواه ۱۱ با خزانه يك ملت ضعیف بعنوان تحصیل روزگار خوشی را در اروپا امرار و لکهای تاریخی و تنگهای غیر قابل ترمیمی را بدامان نجات يك ملتی بر اثر فجایع احوال خود در مقابل اجانب ثبت مینمایند.

هرگاه بدوسیة احوال و کلای دوره های گذشته رجوع کنیم ، فصول مشروحی مبنی بر تصویب مواد عجیبه راجع به اجازه شهریه های دائمی و بیهوده بعنوان خدمت معارف ، تکثیر علم و صنعت و هزاران عناوین پوچ و بی مغز دیگری خواهیم یافت که بر اثر نفوذ و کلای ملت برای ایجاد سعادت اعقاب خود مبالغ هنگفتی تحمیل بر یکمشت ملت فقیر نموده و در دانه های خویشتن را بخرج خزانه ملی مانند حیوان لجام گسیخته بحال ازادی در ممالک اروپا رها کرده اند . باید دانست آیا تصویب این بودجه ها و شهریه ها که از

طرف نمایندگان ما برای خوشگذرانی و اسایش اقوام و اطرافیان و اولاد خود بر ما بیچارگان تحمیل شده و بحال اجراء و روز افزون است تا بحال چه حسن اثر و نتیجه خوشی برای ما بخشیده و کدام دارالعلمی در نتیجه تربیت این نازدانه گان در ایران تشکیل و چه تحفه نیکوئی برای ما آورده اند؟ آیا بجز یکمشت اخلاق نکوهیده و ملکات رذیله از اقامت خود در اروپا چیز دیگری اقتباس نموده اند یا آیا بغیر از بسط دائره فساد تحمیل بر ضعفا و تعدیات گوناگون در نتیجه حس جاه طلبی و خود خواهی پس از مراجعت با اروپا عادات و روش دیگری هم مسلک خود قرار داده اند؟ البته خیر! زیرا در نظر همگی محسوس و غیر قابل انکار است. این جوانان خوش گذران و لا ابالی بر اثر اعتماد و اتکاء به پدران و پارتی های با نفوذ خود در مرکز با کمال اطمینان اوقات خود را به عیاشی و عملیات افتضاح آور دیگر که در نظر اجانب موجب خفت یک ملت و حقارت یک جامعه است صرف مینمایند.

علت چیست و سبب کدام؟ علت این است که این جوانان بواسطه پرورش در مهد آسایش و دامان دایه های مهر و محبت در بوستان روح افزا و قصرهای کوه آسا بجز راحتی چیز دیگری بخود ندیده و شربت رنج و محنت را بخشیده اند. این زالوهای اجتماعی ذائقه بد بختی و تنگ دستی را نمیدانند. این مفتخواران ملی هنوز با حوادث صعب روزگار مواجه نشده و بحال زیر دستان خود توجهی ندارند. بدین جهت با نفوذ و اقتدار، با رفاهیت و سعادت بدنیا آمده و پس از تولید بد بختی و تیره روزی یک ملتی، پس از

خرابی اساس يك مملکت باستانی برای آبادانی خود و اعقاب  
بخانه گور رهسپار میشوند .

طایفه دیکری هم از جوانان حساس و توده متوسط ملت در  
مقابل این وجودهای روح کش با عواطف رقیق و احساسات پاک ،  
از انجائیکه مولودین متوسط و تربیت یافتگان اجتماع هستند قدر  
حیات شیرین خود را دانسته و سعی میکنند برای نجات خود و  
جامعه خویش از بذل منتها مجهود خود مضایقه ندارند . ولی افسوس  
که يك قسمی از آنان در نتیجه مواجه شدن با گرد باد حوادث در  
راه نجات خود و ابناء وطن ، و در طریق حیات ابدی و کسب  
افتخارات و علوم و صنایع در بلاد خارجه جان داده و دسته هم با  
آرزوهای حسرت آور در وطن صبر و انزوا را پیشه خود قرار  
داده و با هر گونه صعوبت و دشواری مقاومت نموده تا حسرت را  
بگور میبرند . بین تفاوت ره از کجا است تا بکجا !

باری ما توجه اعلیحضرت پهلوی و اولیاء محترم امور بخصوص  
اقای وزیر معارف را بدین امر معطوف میسازیم . البته جوانان مهجور  
از وطن را که بدون اتکاء بغیر با خون جگر تحمیلات گران حوادث  
را بر خود هموار کرده و بتحصیل مشغولند وزارت معارف قدر  
دانسته و در آتیه اولیاء محترم آن وزارتخانه برای ایجاد و سائل  
رفاهیت و اجراء عدالت بین آنان و مفتخواران مملکت ( لا اقل ۱۱ )  
اقدامی خواهند نمود .

بعقیده ما بودجههای هنگفتی را که برای مخارج اطفال اشراف  
و نازبروران بتصویب مجلس رسانیده و مصرف شهوترانی آنان میشود ،

برای تشویق و تحریص محصلین با شرافت و حساس در خارجه صرف نمایند و آنانرا مانند سایر دول در دفتر محصلین رسمی دولتی قلمداد نمایند تا مجاهدات و فداکاریهای ایشان بی اثر و بلا نتیجه نمانده و با روی خوش بوطن عزیز بازگشت و بخدمات ملی مشغول شوند.

قاهره سید ابوالفضل طباطبائی

## قالی بافی

یکی از صنایعی که بوسیله آن ایرانیان استعداد ذاتی، هوش، ظرافت طبع و مهارت خود را بعالَمیان عرضه داشته اند صنعت قالی بافی است. همانطور که شعرای عالیقدر ما بلندی فکر، احساسات و عواطف رقیق ما را به دانشمندان عالم اشکار ساخته و هاتقسم که نقاشان زبر دست مهارت و چالاکی ما را عیان نموده قالی بافان ماهر ما هم ثابت کرده اند که ایرانیان نهایت باذوق و باسلیقه اند. چه چیز برای معرفی ما بهتر از این صنعت است؟ بدون اینکه خواسته باشم از مقام شعر یا نقاشی و سایر صنایع ظریفه که باید به تشویق همه کوشید چیزی بکامم اعتراف میکنم که دیوان یا کلیات شعرای ما را عده معدودی میخوانند و آثار نقاشی ما را در موزه ها یا عکسشان را در رسالات جمع قلیلی بیش نمی بینند ولی قالیهای ما که آثار طبع لطیف بافندگان ما است در بازارهای شهرهای بزرگ عالم خاص و عام زن و مرد گروه گروه مشاهده نموده به استعداد فطری ما افرینها میگویند. قالی بهترین معرف ما بوده و هست و تا کنون بافندگان